

بدنام خداوند جان و خرد

دستری و قمار

مؤلف: ط. کریمی



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

کریمی، طاهره، ۱۳۵۲ -
دفتري در قطار/مؤلف ط. کریمی.
قم: سعيد نوين، ۱۳۹۸.
۱۰۴ ص
۹۷۸-۶۲۲-۶۱۱۷-۴۲-۵
فيا
داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
-- Persian fiction ۲۰th century
PIR۸۳۵۸
۸۳۴/۲۶
۶۱۱۸۶۷۰

دفتري در قطار

مؤلف: طاهره کریمی

انتشارات: سعيدنوین

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

قطع/ تعداد صفحات: رقعی/ ۱۰۴ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۱۷-۴۲-۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

مرکز پخش: قم، بلوار شهید کریمی/
خ لقمان/ بین کوچه ۲ و ۴

۵۵۱

۰۲۵- ۳۲۹۳۲۵۶۶
۰۹۱۲۱۵۱۶۱۳۸



مقدمه



وقتی این نوشته را برای اظهار نظر به دوستان متعهد و هنرور سپردم، در کنار تشویق‌ها و تعارف‌های معمول با انتقادهای پیشنهادی سازنده نیز روبه‌رو شدم. در سایه این محبت‌های برادرانه اصلاحاتی در متن صورت گرفت تا خدای ناکرده مروج فساد نباشد و ناخواسته خوانندگان را سمت هدف پلید مفسدان پیش نبرد.

یکی از آشنایان قدیمی، که به نیکخواهی و پرهیزگاری‌اش ایمان دارم، پس از خواندن این نوشتار برحقیر خرده گرفته که، فلانی سر پیری و معرکه‌گیری؟ مردم وقتی سنی از آنها می‌گذرد سفرنامه حجاز و عراق می‌نویسند و تو پس از پشت سر گذاشتن جوانی و سرازیر شدن سمت گور از جلوه‌های زیارتنامه فرناز یاد می‌کنی؟ پرهیز، که درخور تو نیست!

این سخن مرا در اندیشه فرو برد. پس از تأمل گفتم: آنچه بر زبان رازی درست، ولی نیک می‌دانی که هنوز در گوشه و کنار این سرزمین گروهی نادانسته اندیشه زیارت غرب در سر می‌پرورانند و برای چنان فرهنگی آه حسرت برمی‌آورند؛ فرهنگی که وقتی بر دیاری حاکم شود به دوست و دشمن رحم نمی‌کند و همه را فدای ثروت و لذت سرمایه‌داران می‌سازد. اگر ما، که سنی گذرانده‌ایم، اقدام نکنیم دست تجربه‌های خود را به زبان ساده در اختیار این برادران و خواهران قرار ندهیم چه کسی آنها را با نیک و بر روزگار آشنا می‌سازد؟ اگر فردا در برابر میزان عدالت پروردگار این گروه زبان به شکوه گشایند که: خداوندا، آگاهان جامعه گفت‌وگوی صمیمی با ما را در شأن خویش ندیدند و به کتاب‌ها و وسایل ویژه کتابخانه‌های تخصصی بسنده کردند، آیا

حرفی برای دفاع از خود داریم؟ من بر این باورم که اصحاب دانش و تعهد باید شؤون اجتماعی و علمی خویش را نادیده بگیرند و همه حیثیت خود را فدای آگاهی نسل نو کنند؛ نسلی که در برابر توفان یورش فرهنگی غرب قرار گرفته است و اگر کوتاهی کنیم به سربازان گمنام جهانشواریان تبدیل می‌شوند.

امید که بتوانیم درست بیندیشیم، درست عمل کنیم و به رضوان الهی دست یابیم.

ط. کریمی

www.ketab.ir



یک نفر آمد

تا عضلات بهشت

دست مرا امتداد داد.

یک نفر آمد که نور صبح مذاهب

در وسط دگمه‌های پیرهنش بود

از علف خشک آیه‌های قدیمی

پنجره می‌یافت.

مثل پربروزهای فکر جوان بود

حنجره‌اش از صفات آبی شطرها

پر شده بود.

یک نفر آمد کتابهای مرا برد

روی سرم سقفی از تناسب گل‌ها کشید

عصر مرا با دریچه‌های مکرر وسیع کرد

میز مرا زیر معنویت باران نهاد

بعد نشستیم

حرف زدیم از دقیقه‌های مشجر

از کلماتی که زندگانی‌شان در وسط آب می‌گذشت

فرصت ما زیر ابرهای مناسب

مثل تن گیج یک کبوتر ناگاه

حجم خوشی داشت.

نصفه شب بود، از تلاطم میوه

طرح درختان عجیب شد